

رونمایی پایگاه اطلاع رسانی هیدروکربوری

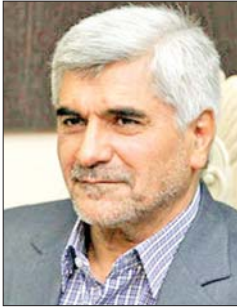
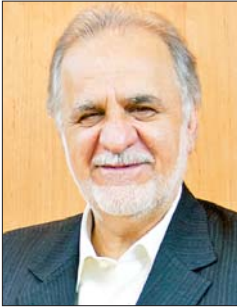
- **شرق:** وزارت نفت در یک سنت شکنی، آمارهای نفتی را علنی کرد. هرچند رونمایی از پایگاه اطلاع رسانی میدروکوبری کشور با فاصله دو سال از تاریخ اجرای آنجام شده. اما می تواند گامی در جهت شفافیت و پوششگران و افکار عمومی باشد و اگر این روند استمرار یابد، می تواند دست بسپاری از رانت خواران را با استفاده از داده های مخفی و غیرشفاف، کوتاه کند. بااین حال هرچند آئینه این پایگاه روشن نیست و با توجه به تجارب موجود از داده های آماری که مخفی می شود، سوزی باز مرکز ایران منش شده. احتمال آن که هرچند در دوره آمارها جور درآید، اما می توان گفت فرصت ایجادشده برای بررسی روند طی شده، بهره برد. علی مبینی، رئیس مؤسسه مطالعات بین المللی انرژی، با اشاره به رونمایی از پایگاه اطلاع رسانی و کتاب درازنامه میدروکوبری کشور گفت: هدف از رونمایی از این پایگاه، شفافیت است و وزیر نفت برای به انتشار این داده ها داشت. او تصریح کرد: الگوی تولیدی در کشور افزایش قیمت تولیدات و کاهش کیفیت است، درحالی که این الگو در دنیا کاملاً برعکس است. مبینی ادامه داد: در ایران حدود ۵۰۰ میلیون بشکه در روز معادل نفت خام، نفت و گاز مصرف می شود و این هزینه که دلار هزار دلار سرمایه گذاری ثابت برای استخراج هر بشکه نفت در خارج کشور است، خامد حوری جعفری، رئیس پژوهشکده مطالعات راهبردی فناوری این مؤسسه هم به مقایسه میزان مصرف انرژی در بخش های مختلف در ایران با کشورهای دیگر پرداخت و گفت: براساس اطلاعات روزانه به طور متوسط بیش از یک میلیون بشکه معادل نفت خام، میزان مصرف انرژی در بخش های مختلف است که این میزان سه تا چهار برابر متوسط نیاست. او با اشاره به شدت انرژی در ایران، اظهار کرد: براساس تولید ناخالص داخلی عرضه انرژی اولیه ۵۵۰۰ (قبل از ورود به پالایشگاه ها و منهای صادرات) است. شدت انرژی در ایران در سال ۱۳۹۴، ۱۰۸۱ بشکه به میلیون ریال بود، به عبارتی دیگر به ازای هر میلیون ریال که تولید ناخالص داخلی داشتیم ۱۰۸۱ بشکه نفت مصرف می کردیم. این موضوع براساس قیمت ثابت سال ۱۳۹۶ بود که ۱۰ برابر کشوری مانند ژاپن است. حوری جعفری ادامه داد: براساس قیمت های سال ۲۰۱۵، شدت انرژی در ایران بر حسب تن (هر تن معادل ۷۰۳۳ بشکه نفت خام) ۰۸ است، درحالی که متوسط ۱۰۸۱ است. به عبارت دیگر شدت انرژی در ایران ۴۰۵ برابر متوسط دنیاست.

کار، تعاون و رفاه اجتماعی)، ابوالحسن فیروزآبادی (قائم‌مقام وزارت کار)، محمدباقر نوبخت (رئیس سازمان برنامه‌بودوجه و معاون رئیس‌جمهور)، محمد نهاوندیان (معاون اقتصادی رئیس‌جمهور)، محمد فرداهی (وزیر سابق علوم) و مهدی کراییان (معاون وزیر صنعت و رئیس هیئت عامل سازمان توسعه و نوسازی معادن ایران (ایمیدرو) و برادر وزیر اقتصاد) هستند. اوایل علی بیگی و اکبر شوکت نیز نمایندگان کارگران در این هیئت امناء هستند و محسن خلیلی عراقی نیز نمایندگی کارفرمایان را در هیئت امناء دارد. هر چند که اگر این سه عضو نیز در هیئت امناء شرکت نکنند، طبق آنچه پیش‌تر گفتیم خللی در کار تشکیل جلسات و تصویب تصمیمات هیئت امناء ایجاد نمی‌شود و البته حضور یا رای مخالف این سه عضو نیز نمی‌تواند خللی در تصمیمات هیئت ایجاد کند. حال تصور کنید دولت تصمیم گرفته‌باشد هزاران میلیارد دلار در دهی خود به تأمین اجتماعی را با واگذاری طرح‌های نیمه‌کاره عمرانی به این صندوق تسویه کند؛ طرح‌هایی که تکمیل آنها نیازمند همان نقدینگی است که امروز نبود آن بحران اصلی تأمین اجتماعی است. چه کسی در تأمین اجتماعی قرار است با این تصمیم موافقت یا مخالفت کند؟ همان کسانی که در دولت پیشنهاد چنین معامله‌ای را داده‌اند، هم‌زمان به‌عنوان هیئت امنای تأمین اجتماعی می‌توانند با این تصمیم موافقت یا مخالفت کنند! این همان سیرال بلندی است که سال‌ها در تأمین اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی دیگر، با بازیگری سیاست‌مداران مختلف در دولت‌های مختلف بارها و بارها ساخته و تکرار شده است. اگر این قدرت نامتوازن سال‌های سال امکان رشد منطقی و باحساب‌و‌کتاب را از تأمین اجتماعی گرفته است، امروز دیگر تنها مشکل عدم نفع اقتصادی سازمان، تأمین اجتماعی از تصمیمات کلان مدیریتی آن مطرح نیست؛ امروز مسئله بحران سازمان تأمین اجتماعی مطرح است که مشاور اقتصادی رئیس‌جمهور آن را بحق، یکی از ابرچالش‌های پیش‌روی ایران می‌نامد و اگر امروز این مسیر همانند گذشته طی شود (آنچهان به‌همه را خواهد داشت. شیخ اجل سخن را تمام کرده است: سر چشمه شاید گرفتن به بیل/ چویر شد نباید گذشتن به بیل

«شرق» مهم ترین رکن مدیریتی سازمان تأمین اجتماعی را بررسی می کند

آنچه با تأمین اجتماعی کردند

محمد مسعود



قدرت تصمیم‌گیری این شرکای اجتماعی ایجاد کنند. نکته حیرت‌انگیز اینکه در حال حاضر شش عضو از ۹ عضو مستقیماً نماینده دولت هستند و دو نفر به‌عنوان نماینده کارگران و یک نفر به‌عنوان نماینده کارفرمایان از طرف وزیر کار در این هیئت منصوب می‌شوند. جلسات این هیئت با حضور شش عضو قابل تشکیل است، تصمیمات آن نیز با رأی موافق پنج نفر قاطعیت خواهد یافت. نمایندگان کار (وزیر)

خود در قانون اساسی برای تأمین اجتماعی جامعه، «سازمان تأمین اجتماعی» را با «وظایف تأمین اجتماعی دولت» خلط کرد و بسیاری از افشار نیازمندی حمایت را بر سفره کارگران کتاب پوشش سازمان تأمین اجتماعی نشاند؛ نیازمندی را به سفره نیازمندی دیگر میهمان کرد و بر پس آن خود را حامی نیازمندان نامید. اما چرا دولت‌ها می‌توانند به راحتی از زیر بار وظایف خود در قبال جامعه شانه خالی کنند و با منابعی که حاصل دسترنج ماهانه می‌خواهی نامه کارگرمین اجتماعی است، به اجرای برنامه‌هایی بپردازند که نسبتی با اهداف این سازمان ندارند؟ چرا آنچنان که وزیر کار می‌گوید، ساختمانی که با ریا ل به ریا ل حق بیمه کارگران خریداری شده (اجاره‌بهای تنها قسمتی از آن ماهانه می‌توانسته به‌بالای ۱۵۰ میلیون تومان باشد، ۴۰ میلیون تومان در سوزی فردی اجاره شده و اگر کارشراهی مردمی درباره آن فردی نمی‌گرفت، ملکی که ۴۰۰ میلیارد تومان می‌ارزد به مبلغ صد میلیارد تومان آماده به‌فروش بوده است؟ و باز هم چرا به گفته وزیر کار باید معدنی با قیمت دو میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان به‌عنوان رد دیون دولت به صندوق بازنشستگی اعوانر شد و امروز خریدار ۵۰۰ میلیون‌تومانی هم نداشته باشد؟

چرا باید آنچنان که وزیر کار می گوید، شرکت های
که خود تأمین اجتماعی را اندازی کرده چهار برابر
همه شرکت های که بابت طلب تأمین اجتماعی
از سوی دولت به آنها واگذار شده بهره وری داشته
باشند، آن هم در حالی که تعدادشان بسیار بیشتر از
شرکت های ساخته شده توسط خود صندوق هاست؟
مسئله مهم تر و به روز: چرا در حالی که مهم ترین

صندوق یا سازمان یا سازمان صندوق تأمین اجتماعی، هرچه نامش باشد در شرایط خوبی به سر نمی‌برد. از یک سو بحران کمبود نقدینگی، تأمین اجتماعی را آزار می‌دهد و از دیگر سو منابع درمانی آن از آنجایی سر فراز است که هر ماه نقداً به خزانه کشور ریخته شود. از یک طرف دولت بر واگذاری نگاه‌های تأمین اجتماعی (شستا) تأکید می‌کند و از طرف دیگر بدهی دولت به تأمین اجتماعی هر روز در حال شکستن رکوردهای تازه‌ای است. یکی از مهم‌ترین انتقادات البته محروم‌های استیضاح مجلس، ریعی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی نیز همین وضعیت حاکم بر صندوق‌های بازنشستگی به‌ویژه صندوق تأمین اجتماعی است. در چنین شرایطی، اهمیت ارکان مدیریتی بزرگ‌ترین صندوق بازنشستگی کشور که طبق قانون وظیفه دارند از منافع این صندوق کارگري دفاع کنند، انکار نشدنی است؛ اما چه کسانی وظیفه حفاظت از منافع تأمین اجتماعی را بر عهده دارند؟

استقلال، شاہ کلید حفاظت منافع

طبق قانون، هیئت امنای سازمان تأمین اجتماعی بالاترین رکن مدیریت و تصمیم‌گیری درباره سرنوشت و تعیین مسیر تأمین اجتماعی است. این هیئت امنای وظیفه دارد «خط مشی و راهبردی کلیان صندوق» را تعیین و «برنامه و بودجه، صورت‌های مالی و عملکرد سالانه صندوق» را نیز تصویب کند. اختیار «عزل و نصب هیئت‌مدیره و هیئت نظارت» و همچنین پیشنهاد «عزل و نصب مدیرعامل» برای صدور حکم از سوی وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی نیز بر عهده هیئت است. امانست، تعیین حقوق و مزایا و پاداش اعضای هیئت‌مدیره، مدیرعامل و حق الزحمه هیئت نظارت، تصویب آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی، اداری، استخدامی و سایر آیین‌نامه‌های مورد نیاز صندوق، تصویب شاخص‌های عملکرد بر اساس اهداف و راهبردهایی که از سوی هیئت‌مدیره تدوین و پیشنهاد می‌شود، بررسی و تصویب تشکیلات کلان صندوق به پیشنهاد هیئت‌مدیره، پیشنهاد اصلاح اساسنامه به وزارت رفاه و ارسال آن به هیئت وزیران برای تصویب نهایی و پیشنهاد تغییر یا اصلاح قوانین و مقررات بانزستسکی به هیئت وزیران نیز بر عهده همین هیئت است. نگاهی به این اختیارات و وظایف، به‌خوبی اهمیت هیئت امنای سازمان تأمین اجتماعی را در تعیین سرنوشت و تصمیمات این صندوق بازنشستگی نشان می‌دهد و به عبارت ساده‌تر، می‌توان گفت شاگردکلیت تصمیمات درباره سرنوشت و وضعیت کارگران شاغل که حق بیمه به این صندوق واریز می‌کنند و بازنشستگان و مستمری‌بگیرانی که منبع درآمدشان مبالغ پرداختی همین صندوق است، بر عهده این هیئت است. از همین هیئت امانست که می‌تواند تصمیم بگیرد سازمان تأمین اجتماعی به‌عنوان یک صندوق

بازنفسی‌کنی یا خاصیت بین‌نسلی، در چه بازارهایی سرمایه‌گذاری کند، چه تعدادی را در قبال کارگران تحت پوشش خود بپذیرد، منابع صندوق را چطور مدیریت کند، بنگاه‌داری یا در بورس فعال باشد، کدام سهام‌ها را بخرد و کدام سهام‌ها را بفروشد، چه شرکت‌هایی را بخرد و چه میزان در بازار مالی سرمایه‌گذاری کند، یا دولت برای دریافت طلبی که امروز بالغ بر ۱۵۰ هزار میلیارد تومان است وارد مذاکره شود، درباره مراکز درمانی ملکی خود تصمیم بگیرد و به زبان ساده‌تر، ارزش افزوده‌ای برای سرمایه کارگران عضو صندوق ایجاد کند.

استقلال نداشتن از صندوق‌های بیمه‌ای چه کرد؟

هیئت امنای سازمان تأمین اجتماعی، طبق اصلاحاتی که در سال پانزی دولت احمدی‌نژاد اتفاق افتاد،

شش عضو از نماینده دولت به عنوان نماینده نفر به عنوان طرف و وزیر کار حضور داشتند.

از این صندوق‌های بیمه‌ای،
منافع و شرایط مخصوص به
خود را دارند و برای ادامه حیات
و بهینه‌سازی شرایط منابع
نیازمند است. استفاده از تصمیم‌گیری‌ها هستند.
علی ربیعی، وزیر کار، در همین باره گفته است: «ما
یک کار تحقیقی انجام دادیم و مشخص شد فقط

بر صندوق بازنشتی کشوری بیش از ۴۵۰ هزار میلیارد تومان مصرف آن را تضمین خارج می‌کند. از صندوق بودع «سپاری» نیز کارشناسان همین تضمینات خارج از صندوق‌ها را یکی از مهم‌ترین دلایل وضعیت نابسامان صندوق‌های بازنشتی کشور می‌دانند؛ زیرا در تمام این سال‌ها، افرادی که قدرت تصمیم‌گیری اصلی برای منابع این صندوق‌ها را داشته‌اند، اغلب در تصمیم‌گیری‌های خود به پایبادهای و ناپایدایی توجه کرده‌اند که ربطی با منافع صندوق‌ها و کارگران تحت پوشش آن نداشته است. برای مثال در مدت زمانی چندساله در دولت احمدی‌نژاد، تعدات متعدد بدون پشتوانه‌ای با صندوق تأمین اجتماعی تحمیل شد که ارتباطی با

بدون بازگشایی جعبه سیاه سانچی هر نوع اطلاعاتی ناقص است

- در شماره ۳۱۰ روزنامه «شرق» مورخ ۱۳ اسفند ۹۶ مصاحبه‌ای با عنوان «آخرین ساعات مرکب سانجی» درج شده که حاوی اطلاعات اشتباه بوده و به نظر نشت‌گرفته از دانش کم و تسلط‌ندانه فرد مصاحبه‌شونده به حوزه کشتی‌رانی، بویژه کشتی‌های تانکر و حمل‌ونقل دریایی، مواد نفتی است. فرد مصاحبه‌شونده در این گفت‌وگو به‌گونه‌ای حادانه سانجی را تحلیل کرده که گویی در محل حادثه حضور داشته‌ای یا دست‌کم به اطلاعات جبهی اسباب‌ان کشتی‌دسترسی داشته‌است. این در حالی است که این قبیل اظهارنظرها غیرکارشناسی علاوه‌بر واردکردن لطمه به اعتبار صنعت کشتی‌رانی کشور و مشخصاً شرکت ملی نفتکش ایران باعث گمراهی و انحراف افکار عمومی و واردشدن خدشه به اعتماد و احساسات مردم، بویژه خانواده معظم شهیدان سانجی می‌شود. این در شرایطی است که اظهار می‌رود درخصوص این قبیل حوادث با دانش و بررسی بیشتری اظهارنظر بنیود.

اما یکی از نکاتی که به‌کرات در این مصاحبه مطرح شده و حاکی از عدم شناخت و اطلاع فرد مصاحبه‌شونده به اطلاعات پایه‌ای حوزه یادداری و کشتی‌رانی است، اصرار و تأکید او بر عدم هم‌خوانی نفت‌کش با محموله آن (معینات گازی) و القای این نکته به مخاطب است که کشتی سانجی برای حمل این محموله مناسب نبوده است. البته وی در این مصاحبه یا را از کشتی سانجی نیز فراتر گذاشته و این ادعا را به دیگر کشتی‌های نا tanker مخصوص حمل نفت‌خام در ایران که حمل معینات گازی را از انجام می‌دهند تفسیر کرده است، اما در جهت آگاهی وی که گویا به کشتی جدید در این حوزه ناآشنا شده و برخی برنده‌ها نیز از عنوان «افشاری» برای آن نام برده‌اند، باید گفت که کشتی تانکر الزاماً برای حمل نفت‌خام نبوده و از آن هم برای حمل نفت‌خام و

هم فراورده‌های نفتی استفاده می‌شود و در این زمینه دارای کواهی‌نامه‌های مربوطه برای حمل این محصولات است. در این ارتباط توجه مساحبه‌شونده را به ضمیمه یک اصلحه کنسائوسن ماریل اصلحه ۲۰۱۱ و همچنین کواهی نامه IOPP جلب می‌کند که به صراحت کواهی‌نامه نوع محموله‌های یک یک تانکر مجاز به حمل آن است اشاره دارد. طبق این قوانین که تخطی از آنها امکان‌پذیر نیست، کشتی‌های تانکر به‌هیچ‌شنوان مجاز به حمل محموله‌ای که مناسب با ساختار و ساز این کشتی نبوده و در کواهی‌نامه‌های آنها نیز قید نشده، نیستند و در صورت مشاهده آن کشور صاحب پرچم و مقامات بندری کشورها از تردد کشتی جلوگیری به توقیف آن اقدام خواهند کرد. به‌طورقطع آنهایی که با عملیات تانکر آشنایی دارند مطلع هستند که با همین تانکرها حتی با ظرفیت تا دومیلیون تن، انواع حمل‌ها مانند بنزین، نفت سفید، گازوئیل و... نیز فراموش می‌شود و این نیز، به‌دفعات در سالیان گذشته صورت پذیرفته و امروزه نیز انجام می‌شود.

در مورد کشتی سانجی هم که مشخصاً در این مصاحبه به‌کرات در خدمت است آن با محموله‌اش در سؤال قرار گرفته تا سبب برای روشن‌شدن افکار عمومی باید گفت: «اولاً کشتی سانجی طبق گواهی‌نامه‌های صادره بین‌المللی که از سوی کشور صاحب پرچم، مؤسسه رده‌بندی بین‌المللی مربوطه و دیگر مراکز معتبر بین‌المللی صادر شده و مورد تأیید بین‌المللی قرار گرفته است، علاوه‌بر نقد قادر به حمل بار و فرود و می‌معات بار بوده و مشکلی به‌حفاظت فنی و استاندارد برای حمل می‌معات گازی نداشته است. البته با کمی جست‌وجو در صفحات اینترنت می‌توان به این نکته رسید که در دنیا کشتی مخصوص حمل می‌معات گازی وجود ندارد و از همین خصوصیات تاکنر برای حمل این محموله‌ها استفاده می‌شود.

مصابه‌شونده در ادامه با ارائه اطلاعات اشتباه ناشی از درک ناقص شرایط زمان تصادف، دانش کم و تکیه بر اخبار یکی از رسانه‌های خارجی، موضوع خاموش بودن رادار کشتی را مطرح می‌کند که کاملاً بی‌اساس و دور از واقعیت است و تاکنون هیچ‌یک از کشورهای دگیر و ذی‌نفع این حادثه، اشاره‌ای به خاموش بودن رادار این کشتی نداشته‌اند.

فرد مصاحبه‌شونده در بخش دیگری از این مصاحبه به حادثه برخورد کشتی کانتینری با کشتی نفتکش ایرانی در آگوست سال ۲۰۱۶ اشاره کرده و در یک قیاس مع‌الفارق با قطعیت از خطای انسانی و مشکلات خانوادگی افسر شیفت به‌عنوان علت حادثه مذکور سخن گفته است؛ اطلاعاتی که باز اشتباه بوده و منبع و مأخذ آن نیز مشخص نیست.

وی در ادامه به دلیل دانش کم، از تعابیر، مفاهیم و اصطلاحاتی غیرمعمول در حوزه دریانوردی استفاده می‌کند که فنی بوده و ارائه تصویری مخدوش از حادثه و گمراهی افکار عمومی ثمر دیگری ندارد؛ عباراتی نظیر چراغ‌های جمعی کشتی (احتمالاً منظور Navigation Light بوده است که برای آن نوع کشتی یک چراغ بیشتر در جلو نصب می‌شود) گفت‌وگوی کاپیتان‌ها در دو کشتی در اغلب برخوردهای صورت گرفته بین مشاورها و توافق فوری برای آنکه یکی به چه یکی به راست بپیچد و... همگی بیانگر عدم آشنای و بی‌واسطه‌تر در دریایی در تحلیل این حادثه و سایر حوادث است.

ادامه در صفحه ۱۳

